

آینده اسلام سیاسی در پاکستان

غلام شبیر نعیم^۱

چکیده

اسلام بعنوان عنصر هویت بخش، همواره در زندگی سیاسی مسلمانان پاکستان حضور داشته است. بعد از استقلال پاکستان، حزب های اسلام گرا مانند جماعت اسلامی، جمعیت علمای اسلام، جمعیت علمای پاکستان و... به دنبال برپا کردن نظام اسلامی در پاکستان بوده اند. پژوهش حاضر با روش و رویکرد تاریخی در صدد پاسخ به این سوال است که نقش حزب های اسلام گرا در آینده اسلام سیاسی پاکستان چه خواهد بود؟ آیا وضع موجود در آینده ادامه خواهد یافت یا اسلام گرایان در پاکستان موفق به ایجاد تحول مهمی خواهند شد؟ اهمیت این پژوهش از این جهت است که می تواند تلاشی باشد برای شناسایی موفقیت ها، ظرفیت ها و تهدید هایی که اسلام سیاسی پاکستان با آن روبروست. یافته های پژوهش نشان می دهد اسلام سیاسی پاکستان در اسلامی سازی برخی نکات قانون اساسی و در تدوین قانون اساسی ۱۹۷۳ نقش ویژه ای داشته است. اسلام گرایان در برهه ای، به وزارت دست یافتند و حتی در ایالت خیبرپختونخواه حکومت تشکیل دادند، اما تا اکنون موجب تحول بزرگی در پاکستان بر اساس اسلام نشده اند. در این زمینه تهدید های بزرگی مانند سیاست ورزی بر محور فرقه گرایی، نداشتن نظام اسلامی واضح، گرایش برخی احزاب اسلام گرا به افراط و خشونت و همکاری با حکمرانی دیکتاتورها در کشور وجود دارد. اگر این تهدیدها مهار نشوند احزاب اسلام گرا در آینده هم موجب تحول بزرگی در پاکستان نخواهند شد.

^۱. دانش پژوه دکتری تاریخ معاصر جهان اسلام، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، پاکستان. Ghalam_shobirnaeim@miu.ac.ir

واژگان کلیدی:

اسلام سیاسی، احزاب اسلام گرا، پاکستان، جمعیت علمای اسلام، جماعت اسلامی.

مقدمه

اسلام در شبه قاره هند از گذشته تاکنون از مهم ترین عناصر تشکیل دهنده هویت مسلمانان بوده است؛ به همین خاطر رهبران نهضت استقلال پاکستان برای هویت سازی ملی از اسلام استفاده می کردند. آنان در فعالیت های سیاسی خود شعار می دادند که در کشور جدید، مسلمانان با آزادی های بیشتری طبق دین و فرهنگ خود عمل خواهند کرد. بر این اساس اسلام گرایانی مانند مولانا ابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳-۱۹۷۹) و دیگران می گفتند که پاکستان به این خاطر تاسیس شده است که در آن دولت اسلامی استقرار یابد و برای رسیدن به این هدف، اسلام گرایان تلاش های عملی را شروع کردند تا دولت اسلامی در کشور استقرار یابد. در مقابل گروهی بر این باور بودند که برقراری دولت اسلامی مد نظر بنیانگذاران نهضت استقلال پاکستان نبوده است؛ آنها فقط برای هویت سازی ملی از اسلام استفاده می کردند.

موسس پاکستان محمد علی جناح شخصیتی سکولار بوده است و به دنبال ایجاد دولت اسلامی در پاکستان نبوده است. قطع نظر از درست یا نادرست بودن این دیدگاه واقعیت این است که اسلام قبل از تاسیس پاکستان و بعد از آن چه به عنوان عنصر هویت بخش و چه به عنوان برنامه سیاسی مطرح بوده است و در زندگی سیاسی مسلمانان حضور داشته است. بعد از تاسیس این کشور، احزاب متعددی مانند جماعت اسلامی، جمعیت علمای اسلام، جمعیت علمای پاکستان و دیگر احزاب اسلامی به دنبال اسلامی سازی قانون اساسی و استقرار دولت اسلامی بوده اند؛ هرچند تا کنون اسلام گرایان موفق نشده اند با توجه به رویکرد اسلامی خود، در کشور تحول بزرگی ایجاد کنند. احزاب غیر دینی در انتخابات عمومی رای می آورند و زمام اقتدار این کشور را در دست می گیرند در مقابل تاکنون میزان رای انتخاباتی اسلام گرایان اندک بوده است، به این خاطر آنان یا با دیکتاتورها همکاری می کردند یا با احزاب بزرگ مانند حزب مردم و مسلم لیگ ائتلاف برقرار می کردند و اکنون هم دقیقاً در همین وضع قرار دارند. با این وضعیت سوال مطرح می شود که آیا اسلام سیاسی پاکستان به همین شکل ادامه خواهد یافت یا در آینده موجب تحول اساسی مانند استقرار دولت اسلامی در این کشور می شود؟ این سوالی است که تحقیق حاضر با رویکرد تاریخی در صدد پاسخ به آن برآمده است. برای پاسخ به پرسش فوق

پیشینه اسلام سیاسی در پاکستان، رویکرد و عملکرد اسلام گرایان، موفقیت ها و ناکامی های آنان و فرصت ها و تهدید های پیش روی اسلام سیاسی پاکستان مورد بررسی قرار می گیرد. قبل از ورود به بحث لازم است برخی مفاهیم تبیین شود. از نگاه برخی، سخن گفتن از آینده یک پدیده تعجب برانگیز است؛ چون چیزی که وجود ندارد چگونه می تواند مورد مطالعه قرار داد؟ در جواب، آینده پژوهان می گویند که مطالعات آینده فقط مربوط به امور ناملموس نیست، بلکه مطالعات آینده درباره ایده ها، احساسات و اهداف کنونی است که بر آینده تاثیرگذار هستند. از نظر آینده پژوه معروف اسلاتر ریچارد آینده مبنای کنش امروز است، چون آینده پژوهی تعاملات گذشته، حال و آینده را برجسته می کند. (اسلاتر، ۱۳۸۶: ۱۰۴) این تحقیق به دنبال آینده پژوهی تخصصی نیست به همین خاطر روش خاص آینده پژوهی اتخاذ نشده است. طبق تعریف اسلاتر، در این تحقیق گذشته و وضع موجود جریان اسلام گرای معاصر پاکستان مورد بررسی قرار می گیرد تا بر اساس آن بتوان آینده احتمالی نقش اسلام سیاسی در تحول کشور را پیش بینی کرد. اصطلاح اسلام سیاسی جدید است و در تاریخ معاصر پدید آمده است و مراد از آن جریان های اسلامی سیاسی است که به دنبال ایجاد حکومت بر مبنای اصول اسلامی هستند. (سعید، ۱۳۷۹: ۲۰) این اصطلاح را محققان غربی در آغاز قرن بیستم زمانی به کار بردند که حسن البنا (۱۹۰۶-۱۹۴۹) در مصر اخوان المسلمین را تاسیس کرد و ابوالاعلی مودودی قبل از تاسیس جماعت اسلامی، اندیشه اصلاحی بر مبنای اسلام را آغاز نمود. در همین زمان علمای شیعه در ایران کنش های سیاسی داشتند و علیه نیروهای خارجی و حاکمان فاسد موضع می گرفتند. (Ardovini, ۲۰۱۳: ۳۷) محققان غربی، اسلام سیاسی را اسلام گرایی نیز می نامند. از نظر آنان اسلام سیاسی یعنی اعتقاد به اینکه اسلام برای زندگی اجتماعی و امور سیاسی برنامه دارد. (Berman, ۲۰۰۳: ۲۵۷) گراهام فولر بر این است که ماهیت اسلام سیاسی خیلی مذهبی نیست، بلکه یک پدیده متمایز است و به طور جزئی به مذهب ارتباط دارد از نظر وی اسلام سیاسی گاهی به سمت نادرست می رود و البته این وضعیت در حال تغییر است. (Fuller, ۲۰۰۳: ۱۶) در این تحقیق، منظور از اسلام سیاسی جریان اسلام گرای پاکستان است که معتقد است اسلام برای زندگی اجتماعی و سیاسی برنامه دارد. همین طور منظور از احزاب سیاسی مذهبی، احزابی هستند که در حوزه سیاسی فعال اند و به دنبال اجرای نظام اسلامی در پاکستان هستند.

ادبیات تحقیق

موضوع اسلام و سیاست قبل از استقلال و بعد از تاسیس پاکستان همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. در ۱۹۴۰ بعد از اعلام قرار داد استقلال پاکستان، مسلم لیگ، یک گروهی برای تدوین نظام اسلامی تشکیل داد. در این گروه عالمان دینی مانند مولانا سلیمان ندوی، مولانا مودودی، مولانا آزاد سبحانی و مولانا عبدالماجد دریاآبادی حضور داشتند و پروژه تدوین نظام سیاسی را در ۱۹۴۲ به اتمام رساندند، البته این کتاب بعداً در سال ۱۹۶۵ با عنوان «نظام سیاسی اسلام» به چاپ رسید. (سندیلوی ۲۰۱۹:۴۰) در این کتاب نظام های سیاسی رقیب مورد انتقاد قرار گرفته و نظام اسلامی به عنوان نظام الگو معرفی شده است. بعد از تاسیس کشور بحث گسترده ای صورت گرفت.

طبق دیدگاه یک طیف هدف از تاسیس پاکستان اجرای نظام اسلامی بوده است. در مقابل، طیف دیگر بر این بودند که مؤسسين پاکستان به دنبال تاسیس حکومت سکولار بوده اند. در این باره کتاب های زیادی نوشته شده که در آنها یک طرف اسلام سیاسی بعنوان الگو معرفی شده و از سوی دیگر اسلام سیاسی از طرف سکولارها مورد انتقاد قرار گرفته است. بعنوان نمونه می توان از طرفداران اسلام سیاسی کتاب مولانا مودودی «دولت اسلامی» را نام برد. او در این کتاب اصول حکومت اسلامی را بیان کرده است و هدف از تاسیس پاکستان را اجرای نظام اسلامی دانسته است. (مودودی ۱۹۶۷: ۱۶) مولانا مودودی در این زمینه آثار دیگری هم دارد که در آن هدف از تاسیس پاکستان را اجرای نظام اسلامی می داند. کسانی که بر این نظر هستند که پاکستان بر اساس نظریه دو ملت به وجود آمده است و هدف آن اجرای نظام اسلامی و تشکیل دولت اسلامی است؛ آثار زیادی پدید آمده اند که به ذکر برخی بسنده می شود. کتاب «قائد اعظم، مسلم لیگ، و نهضت پاکستان در پرتو اسناد تاریخی» تالیف محمد حنیف شاهد؛ کتاب «تاریخ پاکستان و نقش حاکمان آن» تالیف مولانا محمد علی جانباز؛ کتاب «تصور پاکستان در دیدگاه موسسین پاکستان» تالیف شریعه اکادمی در این کتاب دیدگاه های موسسین پاکستان مانند محمد علی جناح، محمد اقبال، بهادر یار جنگ، علامه شبیر احمد عثمانی، لیاقت علی خان و چودری رحمت علی درباره حکومت اسلامی جمع آوری شده است. کتاب «از زوال تا اقبال، پیشینه نظری قیام پاکستان» مؤلف محمد جهانگیر تمیمی؛ کتاب «ویروس در قرار داد مقاصد» علی تالیف محمد اکرم خان سوری؛ کتاب «نظریه دو ملتی که بر اساس آن پاکستان تاسیس شد» مؤلف مولانا محمد رفیع عثمانی؛

در طرف مقابل، کسانی که مؤسس پاکستان را شخصیتی سکولار و هدف از تاسیس کشور را تشکیل دولت سکولار می دانند به این موضوع توجه ویژه ای داشته اند از این میان می توان کتاب «پاکستان بین دو راهی» اثر وجاهت مسعود را ذکر کرد. او در این کتاب با ذکر دلایلی معتقد است که محمد علی جناح یک شخصیت سکولار بوده است و با تاسیس پاکستان به دنبال تشکیل دولت سکولار بوده است. (مسعود، ۲۰۰۹: ۱۷) هر چند کتاب های مذکور در اثبات اسلام سیاسی یا در نقد اسلام سیاسی اند، اما به موضوع آینده اسلام سیاسی نمی پردازند. همین طور کتاب های زیادی درباره برنامه اسلامی سازی ضیاء الحق نوشته شده است که موضوع کلی این کتب اسلام سیاسی است. بطور نمونه، می توان کتاب «جناح تا ضیاء الحق» از محمد منیر را ذکر کرد. نویسنده کتاب رویکرد مؤسس پاکستان _ محمد علی جناح _ را بیان کرده و در بستر تاریخی تغییر در رویکرد تاسیس پاکستان را بررسی کرده است، همین طور اسلامی سازی ضیاء الحق را به تفصیل ذکر کرده است. پدید آمدن برخی نظریه ها مانند نظریه پاکستان را به تفصیل آورده است. از دیدگاه او محمد علی جناح هم به دنبال حکومت سکولار بود نه دینی. (منیر، ۱۹۸۰: ۹) کتاب دیگر «اسلام در پاکستان و تاریخ آن» است که در این کتاب نویسنده مدرنیته اسلامی که در دهه ۶۰ شروع شده بود را مورد بحث قرار داده است، همین طور به نقش علمای اسلامی درباره دولت اسلامی و به نقش آنان در سیاست پرداخته است. (Zaman, ۲۰۱۸: ۱۷) کتاب دیگر «پاکستان بین مسجد و ارتش» است؛ در این کتاب نویسنده ارتباط اسلام گرایان با ارتش را مورد بررسی قرار داده است، هم چنین عملکرد گروه های اسلام گرا را مورد انتقاد قرار داده است (Haqqani, ۲۰۰۵: ۷۱). کتاب دیگر «نوید فکر» تألیف سبط حسن است. در این کتاب حکومت روحانیون مورد انتقاد قرار گرفته است. سبط حسن تصور حکومت اسلامی معاصران خود را اشتباه دانسته و ضرورت توجه به اقتضای زمانه جدید را مطرح کرده است. به نظر او دولت اسلامی ایستا نیست که آن را مثل ۱۴۰۰ سال قبل در این زمان هم اجرا کرد، بلکه بسته به تحولات زمانی، شکل دولت اسلامی هم تحول می یابد. او برای پاکستان دولت سکولار را پیشنهاد می کند و سکولاریسم سیاسی را مغایر با آموزه های اسلامی نمی بیند. (حسن، ۲۰۰۲: ۷۱) هر چند این کتاب ها درباره اسلام سیاسی نوشته شده اند ولی مشخصاً به

^۱ .from jinnah to zia

^۲ .zaman, Muhammad qasim, islam in pakistan a history,

^۳ .pakistan between mousque and military

آینده اسلام سیاسی در پاکستان نپرداخته اند. اما چون این منابع درباره اسلام سیاسی پاکستان اند، با تحقیق حاضر ارتباط پیدا می کنند.

کتابی که به طور مشخص به آینده اسلام سیاسی پرداخته است؛ اثر گراهام فولر با عنوان «آینده اسلام سیاسی»^۱ است که در این کتاب نویسنده به طور کلی آینده اسلام سیاسی را در سطح جهانی مورد بررسی قرار داده است و به کشور های طرفدار و حامی اسلام سیاسی اشاره هایی داشته است. (Fuller, ۲۰۰۳: ۶) نویسنده غربی دیگر هم درباره اسلام سیاسی پاکستان در یک سخنرانی مطالبی بیان کرده است _ که بعدا به چاپ رسیده است _ او درباره آینده جماعت اسلامی این گونه نظر می دهد که اگر این حزب اسلام گرا می خواهد آینده داشته باشد، فقط یک انتخاب دارد و آن تبدیل شدن به حزبی دموکراتیک است. (Kurpershoek ۲۰۰۴: ۲۸)

وجه تمایز این تحقیق با تحقیقات مذکور این است که در آنها به آینده اسلام سیاسی در پاکستان چندان توجهی نشده است. تحقیق حاضر با بررسی وضعیت احزاب اسلام گرا در صدد تحلیل آینده اسلام سیاسی در پاکستان است.

۱. پیشینه اسلام سیاسی در پاکستان

پیشینه اسلام سیاسی به دوران نهضت آزادی هند بر می گردد؛ گروهی بر این نظر هستند که علامه محمد اقبال وقائد اعظم محمد علی جناح به دنبال تاسیس دولت اسلامی بوده اند. (شاهد، ۲۰۰۶: ۳۶۷) آیا موسس پاکستان محمد علی جناح طرفدار اسلام سیاسی بوده است یا نه؟ موضوعی است که بعد از تاسیس پاکستان تا زمان حاضر مورد بحث قرار گرفته است. گروهی بر این باور هستند که رهبران نهضت استقلال برای جلب تایید مسلمانان، نهضت خود را صبغه مذهبی دادند و تشکیل دولت اسلامی مد نظر آنان نبوده است (مسعود، ۲۰۰۹: ۱۶) در رد این نظر برخی معتقدند که محمد علی جناح در سخنرانی های خود از نظام اسلامی صحبت کرده است و در مواردی تصریح کرده است که اساس نامه کشور جدید قرآن خواهد بود. یکی از محققین معروف پاکستانی، خانم دکتر عایشه جلال _ که طرفدار سکولاریسم است _ می گوید: ما نمی توانیم بگوییم محمد علی جناح مخالف مذهب بوده است، ولی او از مذهبی حرف می زد که از آن تفسیر خاص خود را داشت و به هیچ وجه تفسیر اسلام مودودی و سید قطب را مورد

^۱ the future of political islam

تایید قرار نمی داد. (جلال، ۲۰۱۸) قطع نظر از این اختلافات، قبل و بعد از تاسیس پاکستان بحث اسلام سیاسی مطرح بوده است. در این زمینه مولانا مودودی و جماعت او پیش گام همه بوده اند. پژوهشگری پاکستانی می نویسد در تلاش برای اجرای نظام اسلامی در پاکستان بدون تردید علامه مودودی را می توان امام نامید. (ندیم، ۱۹۹۵: ۱۴۱) بعد از تاسیس پاکستان تا کنون احزاب مذهبی سیاسی برای اجرای نظام اسلامی در پاکستان فعال بوده اند و تلاش کرده اند که نماینده اسلام سیاسی محسوب شوند؛ مهم ترین آنها عبارتند از: جماعت اسلامی، (تاسیس ۱۹۴۱م) توسط مولانا ابو الاعلی مودودی؛ جمعیت علمای اسلام (تاسیس ۱۹۴۵م) موسس مولانا شبیر احمد عثمانی؛ جمعیت علمای پاکستان (تاسیس ۱۹۴۸) بنیانگذار علامه سعید احمد کاظمی؛ نهضت جعفریه تاسیس در سال ۱۹۸۰ _ اسم آن تا ۱۹۹۳ "نهضت اجرای فقه جعفری بوده است _ موسس مولانا مفتی جعفر حسین؛ جمعیت اهل حدیث (تاسیس ۱۹۸۶) توسط مولانا احسان الهی زهیر؛ نهضت مردم پاکستان (تاسیس ۱۹۸۹) موسس دکتر طاهر القادری (بخاری، ۲۶۳ تا ۴۰۰ بی تا). در دهه های اخیر هم برخی احزاب مذهبی سیاسی تاسیس شده اند که مهم ترین آنان مجلس وحدت مسلمین (تاسیس ۲۰۰۹) (Mwm.org) و حزب سیاسی لبیک یا رسول الله (تاسیس در ۲۰۱۶ م توسط علامه خادم حسین رضوی (م ۲۰۲۰) می باشد. (Sevea, ۲۰۱۸)

از میان احزاب مذهبی سیاسی یاد شده، نهضت جعفریه اسلام سیاسی با گرایش شیعی را نمایندگی می کند که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تاسیس شد. حزب دیگر، مجلس وحدت مسلمین است که اسلام سیاسی شیعه را نمایندگی می کند.

این نکته هم حایز اهمیت است که تقریباً همه احزاب سیاسی پاکستان، اسلام را در برنامه های انتخاباتی خود ذکر می کردند. هر چند این امر بخاطر حفظ قدرت، جذب رای مردم یا به دست آوردن مشروعیت سیاسی بود، مثلاً ذوالفقار علی بوتو برای جذب اسلام گرایان معتقد بود که مساوات سوسیالیستی با عدالت اسلامی فرقی ندارد. (عثمان و اشعر، ۲۰۰۴: ۷۵)

جماعت اسلامی قبل از تاسیس پاکستان مخالف پاکستان بود. رهبران نهضت پاکستان را هم مورد انتقاد قرار می داد، ولی وقتی کشور پاکستان تاسیس شد، با شعار اجرای نظام اسلامی به میدان آمد و به طور گسترده ایده حکومت اسلامی را بین مردم تبلیغ کرد. جماعت اسلامی در پاکستان در مورد اسلامی کردن برخی بندهای قانون اساسی نسبت به سایر احزاب، نقش موثرتری داشت. بعد از تاسیس پاکستان یکی از مشکلات عمده تدوین قانون اساسی این بود که احزاب مذهبی سیاسی مانند جماعت اسلامی فعال شدند و مطالبه اسلامی سازی قانون اساسی

کشور را مطرح کردند. طبق دیدگاه این احزاب هر قانون اساسی که قرار است تصویب شود، اساس آن باید اسلام باشد. مولانا مودودی در شهرهای بزرگ جلسه‌ها برگزار می‌کرد و در آن اسلامی سازی قانون اساسی را تبیین می‌نمود. (مودودی، ص: ۱۹۷۶: ۹)

غیر از جماعت اسلامی، احزاب دیگری مانند جمعیت علمای اسلام (دیوبندی)، جمعیت علمای پاکستان (بریلوی) و جمعیت اهل حدیث (اهل حدیث) هم درباره درج آموزه های اسلامی در متن قانون اساسی هم نظر بودند و خواهان این بودند که اساس قانون اساسی باید بر اساس شریعت اسلامی باشد و همین طور مطالبه اجرای شریعت در کشور را تکرار می کردند. (Lamb, ۲۰۱۲: ۱۴) پیروان صوفیه در پاکستان تاکنون در امور سیاسی مشارکت نداشته اند. (Kprshoek, ۲۰۰۴: ۳۵)

همان طور که ذکر شد بعد از تأسیس پاکستان، احزاب اسلامی سیاسی تلاش کردند در قانون اساسی آموزه های اسلامی مورد توجه قرار گیرد. در این مقطع زمانی، این موضوع مورد توجه آنان بود، ولی بعد از آن با توجه به بروز برخی اتفاقات زمینه های بیشتری پیدا شد که احزاب اسلامی به اسلام سیاسی روی آورند. اولین اتفاق پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود که باعث شد شیعیان پاکستان از آن تاثیر پذیرفته به اسلام سیاسی روی آوردند. همین طور اتفاق دیگر، جنگ افغانستان بود که به رهبری امریکا، اسلام گرایان پاکستان علیه شوروی جنگیدند.

حمایت های مالی فراوان امریکا و عربستان، احزاب اسلامی را بیشتر به اسلام سیاسی کشاند. (Afzal, ۲۰۱۹) زمینه دیگر که احزاب اسلامی را بیشتر به جانب اسلام سیاسی برد؛ توجه ویژه دولت نظامی به اسلام گرایان بود. در دهه هشتاد، ضیاء الحق، اسلام گرایان را بر مناصب حکومتی گماشت؛ برخی رهبران مذهبی در جامعه پاکستان در این دوران رسوخ یافته جایگاه خاصی پیدا کردند. (Akram, ۲۰۲۰: ۹۰) فرقه دیوبندی با کمک های ویژه عربستان در پاکستان راهی به قدرت سیاسی پیدا کرد. اسلام گرایان در این مقطع زمانی احزاب بیشتری تأسیس کردند و با دولت های حاکم ائتلاف نمودند. این ائتلاف ها نه تنها اسلام گرایان را در سطح کشور مطرح می کرد، بلکه در ازای آن امتیاز های زیادی می گرفتند. جمعیت علمای اسلام بعد از دهه هشتاد میلادی برای این گونه ائتلاف ها معروف است (Puri, ۲۰۰۹) حزب افراطی سپاه صحابه که در همین دوره تأسیس شد، با احزاب بزرگی مانند حزب مردمی و مسلم لیگ ائتلاف هایی داشته است. (Standford, ۲۰۱۲)

۲. رویکردها و عملکردهای احزاب اسلام گرا

اسلام گرایان پاکستان رویکرد های مختلفی دارند و عملکرد آنان نشان می دهد بر محور فرقه گرایی در حوزه سیاست فعال اند و به طور خاص اسلام را مورد توجه قرار نمی دهند البته، ایدئولوژی اسلام سیاسی آنان بر این استوار است که از حکومت پیامبر(ص) و حکمرانی خلفا تاسی می کنند و آن را بعنوان الگو معرفی می کنند.(Krprshoek, ۲۰۰۴: ۳۵)

در پاکستان گروه های شبه نظامی زیادی، با رویکرد ها و اهداف مختلف فعالند. این گروه های شبه نظامی، توسط ضیاء الحق در دهه ۸۰ تشکیل شدند تا اهدافی استراتژیک را در منطقه دنبال کنند. (Haqqani, ۲۰۰۵, ۱۱۸) گروه های اسلام گرا مسلح یا شبه نظامی از حیطة این تحقیق خارج است، چون رویکرد آنان خشونت آمیز است و فرض تحقیق این است که به طور کلی خشونت به هیچ وجه آینده ای نخواهد داشت. در این تحقیق احزاب اسلام گرا با رویکرد مسالمت آمیز مورد توجه اند.

از آنجایی که جماعت اسلامی در اسلام سیاسی از همه احزاب مذهبی سیاسی سابقه بیشتری دارد؛ نخست رویکرد و عملکرد آن بیان می شود. این حزب در ابتدا توجهی به اسلام سیاسی نداشت، بلکه یک جنبش دعوت و تبلیغ بود و چهار هدف مهمی برای خود ترسیم کرده بود: تعمیر افکار، تربیت افراد صالح و سازماندهی آنان، اصلاح جامعه و اصلاح حکومت. اما بعد از تاسیس پاکستان به اسلام سیاسی روی آورد. کشور تازه تاسیس شده، با چالش تدوین قانون اساسی روبرو بود. جماعت اسلامی معتقد بود در پاکستان قانون اساسی باید بر مبنای اسلام باشد. برای نیل به این هدف رهبر حزب مولانا مودودی در تمام کشور جلسه ها برگزار کرد و ضرورت اسلامی بودن قانون اساسی را تبیین نمود. (مودودی، ۱۹۷۶: ۹)

رویکرد قابل توجه جماعت اسلامی تاکید بر نظام جمهوری است. طبق دیدگاه مولانا مودودی در نظام جمهوری و آئینی برای جابجایی قدرت اتخاذ راه غیر قانونی شرعا جائز نیست. برای رسیدن به انقلاب هم روش جمهوری را باید دنبال کرد. جماعت اسلامی خود را یک جماعت ایدئولوژیک معرفی می کند. (مودودی، ۲۰۵) هم چنین تصریح می کند نظام اسلامی که در پی اجرای آن هستیم؛ فقط می تواند از راه های قانونی و جمهوری به پیروزی برسد نه از طریق راه های غیر قانونی. (مودودی، ۱۹۹۳: ۳۴) رویکرد ایدئولوژیک جماعت اسلامی اقتضا می کند هر کس اجازه عضویت این حزب نداشته باشد. عضویت این حزب بسیار محدود است؛ فقط کسی می تواند عضو آن شود که ایدئولوژی این حزب را نه تنها بپذیرد بلکه طبق آن ایدئولوژی

زندگی کند. (عثمان و اشعر، ۵۵۹) برعکس سایر گروه های مذهبی، جماعت اسلامی طرفدار دموکراسی است، ولی با این وجود جماعت اسلامی با دیکتاتور های پاکستانی مانند یحیی خان و ضیاء الحق همکاری و پشتیبانی کرد و به تیم همکار نزدیک حکومت نظامی معروف شد. رهبران این حزب به این امر اعتراف کردند آنان جزو کابینه دولت نظامی بودند، ولی در این مدت گامی به سوی اهداف خود که اجرای نظام اسلامی بود برنداشتند. در این دوران کارشان فقط تایید و حمایت اسلامی سازی ضیاء الحق بود. وقتی از حکومت نظامی جدا شدند بر آنان روشن شد! که اسلامی سازی ضیاء الحق فقط برای حفظ و تداوم قدرت بوده است. (عثمان و اشعر، ۵۶۵)

درباره جنگ افغانستان رویکرد جماعت همیشه مبنی بر حمایت از مجاهدین بوده است. عمده نیروی جنگی حکمتیار را افراد جماعت اسلامی تشکیل می دادند. جماعت اسلامی نوجوانان ۱۸ ساله را آماده می کرد و بعد از آموزش نظامی آنان را به افغانستان می فرستاد. دلار هایی که امریکا برای ضیاء الحق می فرستاد، بیش ترین سهم را جماعت اسلامی می برد. میلیون ها دلار به جیب رهبران جماعت می رفت که یک شبه پول دار می شدند. (الدین، ۱۹۹۵: ۳۱۵). در دوران ضیاء الحق جماعت اسلامی آزادی فعالیت همه جانبه داشته است. حزب دانشجویی جمعیت طلباء اسلام در دانشکده ها و دانشگاه ها حضور داشته است و افراد آن بسیج جماعت اسلامی محسوب می شدند. (الدین، ۱۹۹۵: ۳۱۹) بعنوان حزب سیاسی، منشور جماعت این است که پاکستان را به کشوری تبدیل کند که در آن از قرآن و سنت پیروی شود و ارزش های اسلامی گسترش یابد. (عثمان و اشعر، ۶۵۷)

نماینده دیگر اسلام سیاسی، حزب جمعیت علمای پاکستان است که در ائتلاف ملی علیه بوتو در سال ۱۹۷۷ حضور داشته است؛ ولی بعد از استقرار حکومت نظامی از ضیاء الحق حمایت نکرد. (عثمان و اشعر، ۶۵۸) این حزب به دنبال آن بود تا در پاکستان «نظام مصطفی» را در کل شئون زندگی پیاده کند و قوانین غیراسلامی را از بین ببرد، از نظر این حزب خلافت راشدین بهترین الگوی حکومتی است. (الدین، ۱۹۹۵: ۵۶۱)

نماینده دیگر اسلام سیاسی حزب جمعیت علمای اسلام است که از جمعیت علمای اسلام هند جدا شده و بعد از تاسیس پاکستان در سال ۱۹۵۲ اهداف و منشور خود را دوباره تدوین کرد. این حزب هم در پاکستان به دنبال استقرار نظامی مبتنی بر شریعت اسلامی است. (الدین، ۱۹۹۵: ۵۷۳) این حزب که در کودتای نظامی از ضیاء الحق حمایت کرده بود بعد از

استقرار حکومت نظامی در قدرت شریک شد. ضیاء الحق سه نفر از این حزب را در دوران حکومت خود به عنوان وزیر انتخاب کرد، اما بعد از ۱۰ ماه از حکومت جدا شدند. جمعیت علمای اسلام در نهضت ختم نبوت نقش اساسی ایفا کرد. بعد از فوت موسس آن، دچار انشعاب شد و از آن دو گروه پدید آمد؛ یک گروه حزب جمعیت علمای اسلام فضل الرحمن نام دارد و گروه دیگر به اسم حزب جمعیت علمای اسلام سمیع الحق فعالیت می کند. گروه فضل الرحمن نسبت به گروه سمیع الحق قوی تر است. (الدین، ۱۹۹۵، ۴۱۰) این جماعت هم مانند جماعت اسلامی روش غیر جمهوری را درست نمی داند و هدف آن استقرار نظام اسلامی در کشور است و نظام حکومت خلفای راشدین را الگو قرار می دهد. (عثمان و اشعر، ۷۰۴)

نماینده دیگر اسلام سیاسی حزب اهل حدیث است که اساساً حزب دینی است و تا انتخابات ۱۹۷۰ خارج از میدان سیاست بوده است. این حزب هم به دنبال اجرای نظام اسلامی در پاکستان است. در منشور این حزب آمده است که تلاش می کند در پاکستان سبک زندگی غیر اسلامی ترویج نشود. فعالیت های مولانا احسان الهی ظهیر این حزب را در سطح کشور به حزب قابل توجهی تبدیل کرد. این حزب هم مانند جماعت اسلامی و جمعیت علمای اسلام با حکومت های مختلف ائتلاف هایی داشته است. (الدین، ۱۹۹۵، ۳۲۷)

نماینده اسلام سیاسی شیعی، نهضت جعفریه قائل است که اساس قانون اساسی در پاکستان باید قرآن و سنت باشد. این نهضت درباره جهاد رویکرد خاصی دارد، مثلاً قائل بود که در پاکستان ارتش اسلامی عمومی تشکیل شود و همه مردانی که مشکل خاصی نداشته باشند بطور الزامی آموزش داده شوند. (Zaman, ۱۹۹۸: ۶۹۶) این حزب هم به دنبال استقرار حکومت اسلامی در پاکستان است، حاکمیت را از آن خدا می داند و قایل است که هیچ انسانی حق حاکمیت ندارد؛ جز این که آن را امانت خداوند بداند. این حزب در دوران ضیاء الحق مخالف دولت نظامی بود و رهبر حزب مفتی جعفر حسین، جنگ افغانستان را هم غیر اسلامی می دانست؛ طبق دیدگاه او جنگ افغانستان برای حفظ منافع آمریکا راه اندازی شده بود. (الدین، ۵۰۷) نهضت جعفریه به طور رسمی ارتباط خود را با ایران می پذیرد. (Siddiqui, ۲۰۱۹)

نهضت مردمی پاکستان به رهبری دکتر طاهر القادری هم به دنبال آن بود تا پاکستان را به کشور اسلامی جدید تبدیل کند؛ هم چنین به دنبال مبارزه علیه فساد است. (بخاری، ۴۲۴). مجلس وحدت مسلمین برای تحقق حکومت اسلامی در پاکستان تلاش می کند هم چنین ایجاد وحدت اسلامی بین مسالک و ادیان مختلف را هم هدف خود می داند. (Mwm.org) حزب اسلام

گرای دیگر که اخیراً در فضای پاکستان خیلی مطرح بوده است؛ حزب لبیک است که آن را مولانا خادم حسین رضوی در سال ۲۰۱۶ تاسیس کرد. قبل از تاسیس این حزب، بریلوی‌های پاکستان در کشور بردبارترین مردم به شمار می‌آمدند، ولی این وضعیت از ۲۰۱۶ بعد از اعدام ممتاز قادری تغییر یافت (Basit, ۲۰۱۷). این حزب رویکرد افراطی دارد. مواضع این حزب درباره مسئله ختم نبوت خشونت‌آمیز است، البته در بین فرقه بریلویه مقبولیت قابل توجهی دارد. (Crisis group, ۲۰۲۲)

به طور کلی عملکرد احزاب‌های مذهبی سیاسی نشان می‌دهد که با توجه به اهداف خود ناکارآمد بوده‌اند و عملکرد قابل قبولی نداشته‌اند. این احزاب دیکتاتورها را کمک کرده‌اند یا بعنوان گروه‌های فشار از برخی دولت‌ها امتیازهای سیاسی و مذهبی گرفته‌اند؛ اینجا به برخی عملکردها اشاره می‌شود. به گفته محققین بین ارتش و اسلام‌گرایان همیشه پیوندی نزدیک برقرار بوده و برای رسیدن به قدرت همیشه از این پیوند استفاده می‌شده است. مثلاً وقتی نیروهای دموکراتیک می‌خواستند اقدامات اسلامی سازی ضیاء الحق را به مدرنیزاسیون تغییر دهند، طرفداران ضیاء الحق به رهبری نواز شریف ائتلاف "اتحاد جمهوری اسلامی" را تشکیل دادند تا مانع حزب مردمی شوند. در این اتحاد حزب جمعیت علمای اسلام، جمعیت علمای پاکستان و جماعت اسلامی شرکت داشتند. (حسین نصر، ۲۰۰۴، ۲۶) رییس اسبق آئی ایس آبی (سازمان اطلاعات پاکستان) بعدها اعتراف کرد که او پشت تشکیل اتحاد جمهوری اسلامی بوده است. (Dawn, ۲۰۱۲)

بعد از پیروزی نواز شریف در انتخابات ۱۹۹۷، ارتش هم از گروه‌های جهادی استفاده ابزاری کرد. ارتشی‌ها می‌خواستند او را از قدرت پایین بیاورند و برای رسیدن به این هدف نیروهای جهادی را در کشمیر فعال کردند. هم چنین افراط‌گرایی و خشونت را در کشور گسترش دادند. همین‌طور وقتی یک گروه جدایی طلب در کشمیر با هند درگیر شد؛ ارتش پاکستان هم نیروهای مقاومت را فرستاد که در نتیجه جنگ کارگیل شروع شد. (Malik, ۲۰۰۹, ۱۵) این نکته حایز اهمیت است که احزاب مذهبی سیاسی در دوران دیکتاتورهای پاکستان رشد کرده‌اند؛ چون اسلام‌گرایان در کسب مشروعیت کودتاها نظامیان را کمک می‌کردند. (Peace insight, ۲۰۱۹)

ارتش از علامه طاهر القادری در ۲۰۱۳ برای کنترل سیاست عمومی استفاده می‌کرد. طاهر القادری علیه دولت حزب مردم تظاهرات می‌کرد و احساسات مذهبی را تحریک می‌

کرد. (Khan&mullen ۲۰۱۳) هم اکنون هم حزب طاهر القادری و حزب لبیک با ارتش ارتباط دارند و مورد حمایت آنان هستند؛ طبق دیدگاه هر دو حزب، حکومت های سیاسی (غیرنظامی) فاسد و مخالف اسلام هستند. (Seva, ۲۰۱۸)

نهضت لبیک باز در ۲۰۱۸ مورد استفاده ارتش قرار گرفت. (Waseem&azeem, ۲۰۱۷) احزاب اسلام گرا برای این که بر حکومت فشار بیاورند از خشونت برخی گروه های مسلح استفاده می کنند. (Siddiqui, ۲۰۱۹)

۳. موفقیت ها و ناکامی های احزاب اسلام گرا

۳-۱. موفقیت ها

احزاب اسلام گرا با توجه به فعالیت های اسلام محور خود دولت را مجبور کردند که مطالبه آنان پذیرفته شود و در مواردی هم دولت پاکستان به مطالبات آنان تن داده است. آیا واقعا این موارد موفقیت محسوب می شود یا نه؟ از حیثه این تحقیق خارج است. در اینجا به مواردی که ظاهرا می شود آن را موفقیت تلقی کرد اشاره می شود. به ویژه آن که برخی موارد را احزاب اسلام گرا بعنوان موفقیت خود ذکر می کنند.

۳-۱-۱- پذیرش «قرارداد مقاصد»^۱

اسلام گرایان از مجلس تدوین قانون اساسی درخواست داشتند که باید در قانون اساسی قید شود که اساس همه قوانین در پاکستان قرآن و سنت است. با توجه به این مطالبه «قرارداد مقاصد» در ۱۹۴۹ از طرف مجلس قانون گذاری پذیرفته شد. (سوری، ۲۰۰۵: ۲۹۹) همین طور در سال ۱۹۵۱ سی و یک تن از علمای مذهبی از همه فرقه های اسلامی ۲۲ نکته را تدوین کردند و از دولت مطالبه کردند که قانون اساسی تا اواخر ۱۹۵۲ بر اساس این نکات تدوین شود. در این زمینه نقش جمعیت علمای اسلام و جماعت اسلامی اساسی است؛ یک طرف رهبر جماعت اسلامی در اجتماعات مردمی بر اسلامی بودن قانون تاکید می کرد. (مودودی، ۱۹۷۶: ۹) و از سوی دیگر رهبران جمعیت علمای اسلام گام عملی برداشته و عالمان دینی همه فرق اسلامی را جمع کردند و این ۲۲ نکته اساسی را تدوین کردند. (عثمان و اشعر، ۷۰۳) این ۲۲ نکته از جانب مجلس

^۱ . طبق آن مفاهیمی مانند جمهوریت، حریت، مساوات رواداری و عدالت اجتماعی اصول اسلامی آن گونه که اسلام تشریح کرده است مورد توجه قرار می گیرد.

قانون گذار پذیرفته نشد، البته برخی نکات در قانون اساسی ۱۹۷۳ پذیرفته شده است. بعضی از احزاب اسلامی مانند جمعیت علمای اسلام این ۲۲ نکته را جزو منشور خود قرار داده است که اگر به قدرت برسد همه نکات را جزو قانون اساسی خواهد کرد.

۳-۱-۲. سهیم شدن در اداره کشور در سطح ایالتی

در اولین انتخابات سراسری کشور در ۱۹۷۰ حزب جماعت اسلامی، جمعیت علمای اسلام و جمعیت علمای پاکستان شرکت کردند و در سطح کشور مطرح شدند. در این انتخابات جمعیت علمای اسلام هفت صندلی از آن خود کرد، جمعیت علمای پاکستان هم هفت صندلی پارلمان را گرفت و جماعت اسلامی فقط توانست چهار صندلی پارلمان مرکزی را از آن خود کند، در نتیجه این پیش رفت، احزاب مذهبی توانستند با احزاب بزرگی مانند حزب مردمی پاکستان و... در ایالت ها و در سطح فدرال ائتلاف کنند. (Lamb, ۲۰۱۲: ۱۴) رهبر حزب جمعیت علمای اسلام، مولانا مفتی محمود با حزب ملی مردمی ائتلاف کرد و در ایالت خیبرپختونخواه امروزی (آن زمان سرحد) و در ایالت بلوچستان دولت تشکیل داد. در ایالت خیبرپختونخواه مفتی محمود سر وزیر ایالتی بود. ایشان همین که دولت را دست گرفت زبان اردو را رسمیت بخشید و شراب را ممنوع کرد و از طرف دولت روز جمعه تعطیل رسمی اعلام شد. (عثمان و اشعر، ۷۰۴)

۳-۱-۳. ایفای نقش در تدوین قانون اساسی ۱۹۷۳

احزاب بزرگی مانند جمعیت علمای اسلام و جماعت اسلامی که در تدوین قانون اساسی ۱۹۷۳ نقش داشته اند؛ این کار را برای خود موفقیت به حساب آورده و جزء موفقیت های پراهمیت خود به شمار می آورند. (Juipak.org, Jamaatwomen.org)

۳-۱-۴. پیروزی نهضت ختم نبوت

با توجه به عقاید انحرافی قادیانی ها، درباره پیامبر اسلام (ص)، و ختم نبوت جناب آن حضرت، علمای پاکستان جنبش ختم نبوت را راه انداخته و از دولت وقت خواستند قادیانی ها را رسماً کافر اعلام کند. در ۷ سپتامبر ۱۹۷۴ مجلس پاکستان فرقه قادیانی را کافر اعلام کرد. در جنبش ختم نبوت شخصیت های شیعه مانند سید مظفر علی شمسی و دیگران هم حضور داشته

^۱. Awami national party

اند. (وسایا، ۲۰۰۰: ۱۵) احزاب بزرگی مانند جماعت اسلامی، جمعیت علمای اسلام و جمعیت علمای پاکستان در اعلام کفر قادیانی ها نقش اساسی داشته اند. (وسایا، ۲۰۰۰: ۸) احزابی که در این نهضت نقش داشته اند؛ اعلام کفر قادیانی ها را برای خود دستاوردی بزرگ به شمار می آورند. (Juipak.org, Jamaatwomen.org)

۳-۱-۵. نهضت نظام مصطفی

احزاب سیاسی مذهبی مانند جمعیت علمای اسلام و جماعت اسلامی، نهضت نظام مصطفی را بعنوان پیروزی بزرگ خود ذکر می کنند، درحالی که این پیروزی نبود، بلکه استفاده ابزاری از اسلام به شمار می رود. احزاب مذهبی از حمایت های مالی آمریکا برخوردار بودند و هدف اصلی خود را اجرای «نظام مصطفی» می دانستند و تعداد زیادی از مردم را علیه ذوالفقار علی بوتو به خیابان ها آورده بودند، ولی در مذاکراتی که با دولت انجام دادند، هیچ سخنی از اجرای نظام مصطفی به میان نیاوردند. پروفیسور خورشید احمد جریان مذاکرات را در کتاب خود به تفصیل آورده است که در آن هیچ کلامی از نظام مصطفی دیده نمی شود. اینکه رهبران ائتلاف ملی در مذاکرات هیچ صحبتی از نظام مصطفی نداشته اند حاکی از آن است که فقط برای جذب مردم شعار اجرای نظام مصطفی را سر می دادند. ذوالفقار علی بوتو در ۲۸ آوریل ۱۹۷۷ در طی یک سخنرانی همین حقیقت را باز گو کرد. او گفت که فیل سفید (آمریکا) به دنبال ریختن خون من است، علیه من توطئه صورت گرفته است و کسانی که خواستار نظام مصطفی بودند الان می گویند مسئله ما نظام مصطفی نیست. مودودی که به اسم نظام مصطفی در کشور، خشونت را گسترش داده است، الان می گوید نظام مصطفی مسئله ما نیست. از مواضع اینها معلوم است که چه اهدافی در سر دارند. (کوثر نیازی، ص ۵۸)

۳-۱-۶. معاف شدن شیعیان از پرداخت زکات به حکومت

حزب نهضت جعفریه که اسلام سیاسی شیعی را نمایندگی می کند، محاصره پارلمان و سپس پذیرفته شدن مطالبه این حزب را برای خود یک موفقیت بزرگی به شمار می آورد. زمانی که دولت نظامی ضیاء الحق در ۱۹۸۰ طی حکمی گرفتن زکات را اجباری کرد. در اعتراض به این موضوع بیش از ۵۰ هزار نفر از شیعیان، پارلمان را محاصره کردند و گفتند که حکم زکات طبق فقه ما نیست و مطالبه کردند که دولت اجازه دهد در این مورد طبق فقه خود عمل کنند. (Abbas, ۲۰۰۲, ۷) سید ارشاد احمد ترمذی یکی از فرمانده های آی اس آی (ISI)

توانست رهبر شیعیان، مفتی جعفر حسین (۱۹۸۳-۱۹۱۴) را برای مذاکره با دولت آماده کند. شیعیان در مذاکرات پیروز شدند و ضیاء الحق پذیرفت که درمورد زکات شیعیان می تواند طبق فقه خود عمل کنند. (ترمذی، ۲۸۵)

۳-۱-۷. ائتلاف حزب های اسلام گرا و رسیدن به حکومت ایالتی در خیبرپختونخواه

بزرگ ترین موفقیت اسلام گرایان پاکستانی رسیدن آنان به حکومت ایالتی خیبرپختونخواه بود. در انتخابات ۲۰۰۲ میلادی ائتلاف احزاب اسلامی که ایم ایم ای^۱ نام داشت، رای انتخاباتی چشمگیری را از آن خود کرد تا این حد که این ائتلاف بدون کمک و ائتلاف با احزاب بزرگ توانست در ایالت خیبرپختونخواه حکومت تشکیل دهد. (Khan, ۲۰۱۴: ۳۰۲) جالب توجه آنکه عمده احزاب مذهبی سیاسی مانند جمعیت علمای اسلام، جماعت اسلامی، جمعیت علمای پاکستان، جمعیت علمای اسلام (شاخه سمیع الحق) جمعیت اهل حدیث و نهضت اسلامی (همان نهضت جعفریه به خاطر ممنوع شدن فعالیت اسم خود را تغییر داده بود) درانتخابات حضور داشتند. باید خاطر نشان کرد که در این انتخابات ائتلاف ایم ایم ای از ۹۹ کرسی ایالت خیبرپختونخواه موفق به اخذ ۷۱ کرسی شد و ۵ سال در ایالت یاد شده حکومت کرد. (وجاهت، ۲۰۰۹: ۱۶) این که آیا اسلام گرایان در حکومت ۵ ساله خود چقدر موفق بودند باید جداگانه بررسی شود؛ برخی بر این نظر هستند که اسلام گرایان در این دوره حکومتی خود به شدت شکست خوردند. (Khan, ۲۰۱۴: ۳۰۲، وجاهت، ۲۰۰۹: ۱۷)

۳-۱-۸. پیروزی چشمگیر حزب لبیک در انتخابات ۲۰۱۸

همان طور که در سطور قبل گذشت، حزب لبیک رویکرد افراطی دارد و عمر آن نسبت به عمر احزاب دیگر خیلی کم است. این حزب بزرگ ترین پیروزی خود را استعفای وزیر امورمذهبی می داند. این حزب توانسته بود در ۲۰۱۷ میلادی با برپایی اعتصاب به مدت سه هفته، دولت را مجبور به استعفای این وزیر کند. این پیروزی آنان را نه تنها در سطح کشور مطرح کرد، بلکه با استفاده از این پیروزی در انتخابات ۲۰۱۸ میلادی رای قابل توجهی از آن خود کردند تا این حد که چهارمین حزب کشوری شدند. (Khan, ۲۰۲۰: ۲۰۱۷)

این حزب در سال ۲۰۱۶ توسط نهاد انتخاباتی پاکستان رسمیت یافت و در انتخابات ۲۰۱۸

^۱. متحده مجلس عمل

شرکت کرد و یک میلیون و هشتصد هزار رای بدست آورد که با توجه به فعالیت های سایر احزاب بزرگ اسلام گرا واقعا چشم گیر بوده است. (Sabat&qadar, ۲۰۲۰: ۳۶۵)

۲. ناکامی ها

بزرگ ترین ناکامی احزاب اسلام گرا این است که مردم به این احزاب رای نمی دهند. برخی احزاب اسلام گرا از دهه ها پیش در میدان سیاست فعال اند، ولی تا کنون در حوزه سیاسی به جایگاهی نرسیده اند. از بین همه احزاب اسلام گرا تنها جمعیت علمای اسلام و جماعت اسلامی توانستند در برخی حوزه های انتخاباتی رای بیاورند. غیر از آن احزاب دیگر رای انتخاباتی ندارند. (وجاهت، ۲۰۰۹: ۱۵) به همین علت از نظر برخی، احزاب مذهبی سیاسی فقط گروه های فشار به حساب می آیند. (بخاری، ۱۲). اسلام گرایان پنج سال در ایالت خیبر پختونخواه حکومت داشتند، ولی با این وجود در انتخابات بعدی، در سال ۲۰۰۸ از ۹۹ صندلی فقط ۶ صندلی را از آن خود کردند. این واقعا شکست بزرگی برای اسلام گرایان به شمار می رود. (وجاهت، ۲۰۰۹: ۱۷) اسلام گرایان در انتخابات ۲۰۰۲ خود را آمریکا ستیز نشان داده بودند، چون در ایالت خیبر پختونخواه مردم مخالف آمریکا بودند به آنان رای دادند، اما هنگامی که به قدرت رسیدند وزرای حکومت که علمای دینی بودند درباره آمریکا هیچ حرفی نمی زدند، بلکه در جنگ با تروریسم، همکار آمریکا شدند. این برخورد بر افکار عمومی مردم تاثیر گذاشت و مردم به این نتیجه رسیدند که اسلام گرایان از دین استفاده ابزاری می کنند و مانند سیاستمداران غیر دینی به دنبال قدرت و منافع خود هستند. (وجاهت، ۲۰۰۹: ۱۸) همین طور اسلام گرایان به مسائل فراگیر و مهم توجهی نداشتند و به مسائل جزئی توجه می کردند، مثلا مسئله آنان این بود که فلان گروه مذهبی توسط دولت کافر اعلام شود یا روز جمعه تعطیل شود و شراب خواری ممنوع اعلام گردد.

۴. فرصت ها و تهدید ها برای اسلام سیاسی

۴-۱. فرصت ها

نمایندگان اسلام سیاسی در پاکستان از تاسیس پاکستان تا حالا فرصت های در اختیار داشتند، ولی با توجه به برخی عملکرد های سیاسی فرصت ها را به تهدید تبدیل کردند. عالمان دینی هر فرقه بین مردم جایگاه و احترام ویژه ای داشتند. اهمیت این جایگاه وقتی کاهش پیدا

کرد که برای مردم اثبات شد آنان فقط به دنبال منافع سیاسی خود هستند. جماعت اسلامی مدت زیادی در قدرت با ضیاء الحق شریک بود ولی در این مدت نتوانست با توجه به اهداف خود در میدان عمل گام بردارد. اکنون بزرگ ترین فرصت اسلام گرایان این است که با توجه کامل به تحلیل تهدیدها پرداخته و تلاش کنند با عمل خود آن ها تبدیل به فرصت کنند و در صورت غفلت از این موضوع آینده اسلام گرایان همین خواهد بود که در وضع فعلی سر می برند.

۴-۲. تهدیدها

در اینجا به برخی تهدید هایی که اسلام سیاسی پاکستان را تهدید می کند اشاره می شود.

۴-۲-۱. فرقه گرایی

فقط برای فرقه های خود فعال اند نه برای اسلام؛ حتی هویت این حزب ها هم هویت فرقه ای است نه هویت اسلامی، هرچند یکی از نویسندگان پاکستانی می نویسد که نهضت جعفریه این مشکل را ندارد. برنامه این حزب گونه ایی تدوین شده است که در آن انحصار گرایی دیده نمی شود، بلکه در آن اسلام مورد توجه قرار گرفته است. (خورشید، ۱۹۹۵: ۱۳۰) اختلافات فرقه ای ذاتا بد یا مشکل ساز نیستند. اختلافات زمانی باعث پدید آمدن مشکلات می شوند که هویت های فرقه ای مبنای برنامه های سیاسی قرار بگیرد و بر این اساس فرقه های دیگر طرد شوند. (ق ۲۰۱۲، ۴۸، Rikonin) در برنامه اسلامی سازی ضیاء الحق همین کار را کرد او می خواست تفسیر و فهم فرقه دیوبندی را بر همه فرق اسلامی پاکستان تحمیل کند. در برنامه اسلامی سازی، تلاش کرد هویت فرقه ای را برجسته کند تا بتواند دولت خود را مشروعیت بخشد. زیر چتر اسلام، ممکن است بین فرقه ها در برخی امور فقهی و کلامی اختلافاتی باشد، اما همه فرقه ها زیر چتر اسلام قرار گرفته هویت کلی اسلامی را تشکیل می دهند. اختلافات فرق اسلامی، به این معنی نیست که آنان جداگانه و مستقل از اسلام هویت دارند بلکه هویت تمام فرقه ها اسلامی است. اکنون سیاست همه احزاب اسلام گرا بر اساس هویت فرقه ای شکل گرفته است. ماهیت این احزاب اجازه نمی دهد فردی غیر از فرقه آن حزب در آن عضویت داشته باشد. امکان ندارد یک بریلوی در جمعیت علمای اسلام عضویت داشته باشد. همین طور یک دیوبندی نمی تواند عضو جمعیت علمای پاکستان شود. (ندیم، ۱۹۹۵: ۱۳۳) ضیا الحق کسی بود که در دوران خود تلاش کرد در پاکستان فرقه گرایی را گسترش دهد تا بتواند قدرت خود را حفظ کند، زمانی که شیعیان برای احقاق حق خود درخواستند و او را مجبور کردند که حکم گرفتن

زکات اجباری را از پیروان همه فرقه ها پس بگیرد، دولت او فرقه گرای را مورد توجه قرار داد. (Haqqani, ۲۰۱۲)

۴-۲-۲. افراط گرایی

هر چند احزاب اسلام گرا نسبت به دهه ۸۰ و ۹۰ پیشرفت کرده با فرقه های مخالف تعامل مسالمت آمیز دارند، ولی باز برخی احزاب افراطی هستند که برای اسلام سیاسی تهدیدی بزرگ محسوب می شوند. در این زمینه می توان از حزب لبیک و حزب اهل سنت و جماعت _سپاه صحابه سابق_ نام برد. برخی احزاب افراطی که در کشتار مردم دست داشتند؛ اسم خود را تغییر داده و هم اکنون فعال هستند. تهدید جدی دیگر این است که برخی احزاب بزرگ اسلام از گروه های مسلح و تندرو حمایت می کنند.

۴-۲-۳. مدارس دینی جهاد گرا

بسیاری از مدارس دینی تهدید بزرگی برای اسلام سیاسی بشمار می روند. در بسیاری از این مدارس طلاب فقط با ایدئولوژی های جهادی آشنا می شوند و در زندگی خود هیچ کار بزرگی انجام نمی دهند. بزرگ ترین هدف آنان می شود جهاد، طبق آموزه های فرقه ای آنها نه زندگی بسامانی دارند و نه در جامعه صاحب مقامی درخور هستند. سرمایه های بزرگ انسانی در این مدارس به هدر می رود، هرچند که در برخی مدارس دینی به علوم جدید هم توجه می کنند، ولی تعداد آنان کم است. همین تهدید را نویسنده غربی مارکل کرپرشویک ذکر می کند او می گوید: من مدارس زیادی را دیده ام طلاب با چهره های پژمرده و با در بغل داشتن قرآن، سواد آنان در حدی نیست که در زبان ملی خود_ اردو _نامه ای ساده بنویسند. آنان را برای مرگ آماده می کنند. حاضر ند در افغانستان بمیرند. فقط شستشوی مغزی داده می شوند و آنان فقط چیز هایی را تکرار می کنند که به آنان یاد داده می شود؛ از تفکر دورند این نوع آموزش موجب می شود که از پرسشگری دور بمانند. (Kprshoec, ۳۰:۳۰) اگر احزاب اسلامی سیاسی راه خود را از این ها جدا نکنند آسیب های جدی ادامه خواهد یافت.

۴-۲-۴. استفاده ابزاری از اسلام گرایان توسط سیاست مداران و نظامیان

همیشه ژنرال های پاکستانی و از همه بیشتر ضیاء الحق از اسلام گرایان استفاده ابزاری کرده اند. چون وقتی که او ذوالفقار علی بوتو را کنار گذاشته، قدرت را به دست گرفته بود به

شدت به کسب مشروعیت نیاز داشت. او برنامه اسلامی سازی را بهترین وسیله برای حفظ قدرت خود می دانست، به همین خاطر به رهبران دینی سنی نزدیک شد و آنان را در دستگاه های دولتی وارد نمود. هم چنین اسلام گرایان افراطی را در دادگاه ها، مدارس دولتی و رسانه رسوخ داد. (Mukherjee, ۲۰۱۰, ۳۴۳). جماعت اسلامی و جمعیت علمای اسلام بیشترین کمک را در کودتا به او کردند. در جریان انتخابات ۱۹۷۷ وقتی حزب ذوالفقار علی بوتو پیروز شد، ائتلاف اتحاد ملی (متشکل از ۹ حزب سیاسی و مذهبی) تظاهرات راه انداخت و بوتو را به تقلب در انتخابات متهم کرده، نتایج انتخابات را نپذیرفت و خواستار برکناری او شد. در این فضا جمعیت علمای اسلام مطالبه برپایی نظام مصطفی را مطرح کرد که تظاهرات را جان بخشید. آنها می گفتند راه حل همه مشکلات کشور، اجرای نظام مصطفی است. طلاب مدارس دینی از جماعت اسلامی و جمعیت علمای اسلام در تظاهرات با هیجان خاصی شرکت می کردند، به پشت بام های مساجد و خانه ها رفته اذان می گفتند و شعار می دادند «ما نظام مصطفی می خواهیم». در ازای هر اذان به هر نفر ۱۵ روپیه پرداخت می شد. (ترمذی، ۳۹:۲۰۴) در این وضعیت ذوالفقار علی بوتو هم سعی کرد از مذهب استفاده ابزاری نموده قدرت خود را حفظ کند. باوجود برخی اقدامات مانند تعطیلی روز جمعه، تاسیس شورای ایدئولوژی اسلامی و غیره نتوانست حمایت اسلام گرایان را جلب کند. آنان از تظاهرات دست برد نداشتند و سرانجام در ۵ جولای ۱۹۷۷ ضیاء الحق قدرت را به دست گرفت. (ترمذی، ۳۹:۲۰۴) او هم یازده سال از مذهب استفاده ابزاری کرده قدرت خود را حفظ کرد. بعد از کودتا اعلام کرد که هدف سیاسی ندارد و در ظرف سه ماه انتخابات برگزار می کند، اما مدام انتخابات را به تاخیر می انداخت و هدف اصلی خود اسلامی سازی کشور عنوان می کرد. (Haqqani, ۱۱۲:۲۰۵) نمونه های زیادی از استفاده ابزاری از اسلام گرایان توسط سیاستمداران وجود دارد که از ذکر آن صرف نظر شد.

۴-۵. نداشتن نظام اسلامی جایگزین

منشور و برنامه های احزاب اسلام گرای پاکستان نشان می دهد که آنان در پاکستان در صدد اجرای نظام اسلامی و استقرار دولت اسلامی هستند، ولی تا کنون در این باره نظام فراگیر قابل توجهی ارائه نداده اند. چون سیاست های بیشتر احزاب بر محور فرقه شکل می گیرد، برای همین نیاز هم نمی بینند که نظام اسلامی مورد توجه خود را تدوین کرده ارائه دهند. برخی نوشته هایی که بعنوان نظام اسلامی مطرح می شود ساختار نظام ندارند، بلکه مجموعه از باید

ها و نباید ها است که با توجه به آموزه های اسلامی تدوین شده اند، مثلا احزاب اسلامی در منشور خود نوشته اند که اگر بر سر کار بیایند در کشور ربا را ممنوع اعلام می کنند، ولی در مقابل آن هیچ برنامه قابل توجه ای ارایه نمی دهند. جماعت اسلامی که در دولت نظامی ضیا الحق شراکت داشته است هم در این زمینه از برخی صحبت های ارزشی بالا نرفته است. ضیاء الحق نظام اسلامی مطرح از جانب جماعت اسلامی را مورد تمسخر قرار می داد. به گفته او به وزیران جماعت اسلامی می گفت: برای نظام اسلامی چه اقداماتی را انجام دهیم؟ راهنمایی کنید تا اسلام را اجرا کنیم. آنان در جواب می گفتند: کمی وقت دهید می آوریم. ولی آنان هم چنین نظامی در اختیار نداشتند که بتوان آن را پیاده کرد. همین طور ضیاء الحق در مجلسی به افراد نزدیک خود می گوید: من در یک نشست مطبوعاتی اعلام کردم که بعد از این در کشور هیچ قانونی خلاف قرآن و سنت اجرا نمی شود. روز بعد در دادگاه های کشور شلوغ شد؛ برخی وکلا به دادگاه گفتند که نظام قانونی که در کشور اجرا می شود، غیر اسلامی و از انگلیس گرفته شده است و طبق آن نمی توان زندانیان اعدامی را اعدام کرد. همین طور بانک ها هم اعتراض کردند که کسانی که از ما وام گرفته بودند، الان می گویند چون در اسلام ربا حرام است ما ربا پرداخت نخواهیم کرد. (وجاهت، ۲۰۲۱) ضیاء الحق می گوید بعد از این اتفاق من با متخصصین قانون صحبت کردم و بیانیه خود را پس گرفتم به وزرای جماعت اسلامی و پروفیسور غفور احمد گفتیم، سیستمی را معرفی کنید که آن را جایگزین نظام فعلی کنیم، ولی آنان نظام اسلامی جایگزینی را معرفی نمی کردند (وجاهت، ۲۰۱۹). این مشکل امروزه هم پا برجا است؛ براسلام گرایان پاکستان لازم است که یک نظام اسلامی را بعنوان جایگزین نظام فعلی معرفی کنند. اکتفا به گفتن برخی آموزه های اسلامی تهدیدی جدی برای اسلام سیاسی پاکستان محسوب می شود.

۵. آینده اسلام سیاسی در پاکستان

با توجه به مباحث گذشته می توان ادعا کرد که در طول تاریخ پاکستان، اسلام محور سیاست بوده و در فعالیت های سیاسی نقش پررنگی داشته است، هر چند از آن استفاده ابزاری می شده است؛ حتی از جانب موسسین پاکستان که اسلام را بعنوان مذهبی هویت بخش مورد توجه قرار می دادند. برخی احزاب مذهبی سیاسی که جایگاه ویژه ای دارند و از نام اسلام استفاده کرده برای خود اعتبار نسبی کسب کرده اند. آینده اسلام سیاسی پاکستان هم با آینده این احزاب گره خورده است. درباره آینده جماعت اسلامی که بزرگ ترین داعیه دار اسلام سیاسی است؛ یکی از

اندیشمندان غربی می گوید:

آینده جماعت اسلامی بستگی به این دارد که رویه خود را به دموکراتیک تغییر دهد. سپس سوال می کند آیا این امکان دارد؟ در جواب می گوید: بله امکان دارد با این شرط که جماعت اسلامی سکولاریسم را که از پذیرش آن سر باز می زند، بپذیرد. بعد دو شرط دیگر را هم لازم می داند؛ یک: مذاکره با هدف حل و فصل مسالمت آمیز مناقشات بین هند و پاکستان و بازگشت به جمهوریت به طور کامل؛ که اسلام سیاسی در نبود این دو گسترش یافته است. (Kurpershoek, ۲۰۰۴: ۳۷)

او هم چنین معتقد است که اسلام سیاسی نمی تواند با رای انتخاباتی به قدرت برسد. در کشور اسلامی چگونه می توان موانع در راه جدایی دین و سیاست را برداشت و با گروه های مسلح برخورد کرد. جواب او خیلی ساده است. کلید این کار برقراری امنیت با همسایگان است. اجرای کامل جمهوریت و مضبوط قانون اساسی، آموزش و پرورش درست، جلوگیری از حمایت های مالی از طرف کشور های خاورمیانه به گروه های اسلام گرا. این که اسلام سیاسی رویا دارد که در کل جهان ابر قدرت شود دیگر این رویای جغرافیای ذهنی است. (Kurpershoek, ۲۰۰۴: ۴۰) او برای کشور پاکستان به جای ایدئولوژی اسلامی کثرت گرایی یا پلورالیسم را پیشنهاد می کند. این که کریپرشووک برای جامعه پاکستان سکولاریسم و جدایی دین از سیاست را پیشنهاد می کند، ناشی از عدم توجه به واقعیت های پاکستان است. درست است که جریان سکولاریسم در پاکستان در حال قوی شدن است، ولی با این وجود مانند حزب های اسلام گرا در جامعه جایگاهی ندارد.

برخی احزاب اسلام گرا با نظامیان ارتباط نزدیک دارند تاریخ پاکستان نشان می دهد این احزاب دیکتاتور ها را برای به دست آوردن مشروعیت سیاسی کمک می کردند. (Khan, ۲۰۲۰: ۳۰۱) بر این اساس می توان گفت آینده احزاب طرفدار ارتش به برنامه ریزی های ارتش گره خورده است.

هر چند احزاب مذهبی در جامعه پاکستانی دارای جایگاه هستند، ولی این جایگاه آنان را در انتخابات پیروز نمی کند؛ آینده آنان به ائتلاف های که با احزاب بزرگ برقرار می کنند؛ بستگی دارد. بیشترین کرسی های جمعیت علمای اسلام و جماعت اسلامی تا حالا ۱۹ درصد بوده است و در آینده هم امکان ندارد که از آن فراتر برود. البته در انتخابات ۲۰۰۲ در ایالتی بیش از ۵۰ درصد رای کسب کرده بودند که مشکوک است. (پیرس، ۲۰۱۴: ۴۱) احزاب اسلام گرا با توجه به عملکرد خود تا کنون به این حد نرسیده اند که در انتخابات به طور فراگیر مانند حزب های بزرگ دیگر رای بیاورند و سپس از طریق تشکیل دولت تغییرات اساسی را رقم بزنند.

نتیجه

احزاب اسلام گرای پاکستان بعد از تاسیس پاکستان تا زمان حاضر در عرصه سیاست فعال بوده اند، اما با توجه به اهداف و منشور های خود به موفقیت قابل توجهی دست نیافته اند. حضور اسلام گرایان در برخی مناصب حکومتی مانند رسیدن به وزارت، مرهون حمایت ارتش یا مرهون ائتلاف با احزاب بزرگی مانند حزب مردمی و حزب مسلم لیگ بوده است. مردم پاکستان در انتخابات و درهنگام رای دادن به اسلام گرایان توجه خاصی ندارند، هرچند در مناطقی که برخی احزاب در آنجا نفوذ دارند، اندک صندلی های مجلس مرکزی و مجلس ایالتی را از آن خود می کنند. بزرگ ترین موفقیت اسلام گرایان رسیدن به حکومت ایالتی خیبرپختونخواه بود که در آنجا پنج سال حکومت کردند، هرچند عملاً نتوانستند بر افکار عمومی تاثیر گذاشته و رای آنان را با خود همراه کنند از این رو در انتخابات بعدی کم ترین رای را کسب کردند؛ علت آن هم این بود که بعد از رسیدن به حکومت از مواضع قبلی خود برگشتند، قبل از انتخابات از فضای سیاسی ایالت استفاده کرده علیه آمریکا موضع گرفته بودند، ولی وقتی به قدرت رسیدند تغییر موضع داده با آمریکا در مبارزه علیه تروریسم همکاری کردند، این امر بر افکار عمومی تاثیر گذاشت و مردم در انتخابات بعدی به آنان رای ندادند. به طور کلی آینده اسلام سیاسی پاکستان بستگی به چند تا عوامل دارد یا اینکه مردم به اسلام گرایان به این اندازه رای دهند که بتوانند دولت تشکیل دهند. تاریخ سیاسی پاکستان نشان می دهد این امر در طول ۷۴ سال رخ نداده است؛ بر این اساس می توان گفت در آینده هم رخ نخواهد داد. عامل دیگر حمایت ارتش از اسلام گرایان است که با توجه به اهداف موقت ارتش صورت می گیرد. در این صورت هم، آینده اسلام سیاسی بستگی به کمک و حمایت های ارتش خواهد داشت. شواهد تاریخی نشان می دهد آنها از اسلام گرایان استفاده ابزاری کرده وانگهی رها می کنند. لذا در این حالت هم آینده ایی نخواهند داشت و نمی توانند تاثیر قابل توجهی بگذارند. بنا بر این تا زمانی که اسلام گرایان از ارتش فاصله گرفته به سوی اهداف خالص اسلامی حرکت نکنند نمی توانند مردم را برای اخذ رای به خود جذب کنند و آینده آنان به همین منوال فعلی خواهد بود. آینده اسلام سیاسی پاکستان به این امر هم بستگی دارد که یک نظام سیاسی اسلامی جامع تدوین کنند که مورد اتفاق همه اسلام گرایان باشد و همه برای اجرای آن تلاش کنند.

منابع

فارسی

اسلاتر، ریچارد، مفہوم آیندہ نگرۃ، مترجم پورنگ حمید، مجلہ راہبرد، شمارہ ۹، بہار ۱۳۸۶
سعید، بابی، ہراس بنیادین اروپا مدارۃ و ظہور اسلام گرایۃ، مترجمین غلام رضا جمشیدی ہا
و موسیٰ عنبری، تہران ۱۳۷۹

اردو

بخاری، تنویر، پاکستان مین سیاسی جماعتین اور پریشر گروپ، یور نیو بک پبلش، بی تا۔
پیرس، جوناتھن، پاکستان مستقبل کی امکانات، مترجم، نایلہ رضا، مشعل بکس لاہور، ۲۰۱۴
ترمذی، سید احمد ارشاد، حساس ادارۃ، مترجم، افضال شاہد، زاہد بشیر پرنٹرز لاہور، ۲۰۰۴
تمیمی، محمد جہانگیر، زوال سی اقبال تک، مرکز مطالعات جنوب آسیا، دانشگاه پنجاب، ۲۰۱۱۔
جانباز، محمد علی، تاریخ پاکستان اور حکمرانوں کا کردار، مکتبہ نعمانیہ ۲۰۰۷۔
حسن، سبط، نوید فکر، مکتبہ دانیال، کراچی، چاپ نہم، ۲۰۰۲
الدین، حافظ تقی، پاکستان کی سیاسی جماعتین اور تحریکین، فکشن ہاؤس، لاہور، ۱۹۹۵۔
سندیلوی، اسلام کا سیاسی نظام، دارالمصنفین شبلی اکیڈمی، اعظم گرہ، ۱۹۵۶
سوری، محمد اکرم خان، قرار داد پاکستان مین وایرس، لاہور، ۲۰۰۵
شاہد، محمد حنیف، قائد اعظم مسلم لیگ اور تحریک پاکستان، تاریخی دستاویزات کی روشنی
مین۔ نشریات، لاہور، ۲۰۰۸۔
شریعہ اکادمی، تصور پاکستان بانیان پاکستان کی نظر مین، شریعہ اکادمی اسلامی یونیورسٹی
اسلام آباد، ۲۰۰۵۔
عثمان محمد و اشعر مسعود، پاکستان کی سیاسی جماعتیں، سنگ میل پبلیکیشنز، ۱۹۸۸
عثمانی، محمد رفیع، دو قومی نظریہ جس پر پاکستان بنا، لاہور، بی تا۔
مسعود، وجاہت، طالبان یا جمہوریت پاکستان دو راہہ پر، نگارشات پبلشرز لاہور، ۲۰۰۹
مودودی، ابوالاعلیٰ، اسلامی ریاست، فلسفہ نظام کار اور اصول حکمرانی، اسلامک
پبلیکیشنز، لاہور، ۱۹۶۷۔
مودودی، ابوالاعلیٰ، تحریک اسلامی کا آیندہ لائحہ عمل ص ۲۰۵
مودودی، ابوالاعلیٰ، تحریک اسلامی کا آیندہ لائحہ عمل، اسلامک پبلیکیشنز، لاہور، بی تا
مودودی، ابوالاعلیٰ، ماہنامہ ترجمان القرآن، جنوری، ۱۹۹۳۔

مودودی، اسلامی قانون، اسلامی پبلیکیشنز لاہور ۱۹۷۶.
 ندیم، خورشید احمد، اسلام اور پاکستان، المورد، لاہور، ۱۹۹۵.
 نیازی، کوثر، اور لاین کت گئی، احمد پبلیکیشنز، چاپ دوم، ۲۰۰۷
 وسایا، اللہ، پارلیمنٹ مین قادیانیوں کی شکست، علم و عرفان پبلشرز، ۲۰۰۰

Abbas hassan, Pakistan's drift in to extremism: Allah, the
 Army, and America's war on terror, published routledge new
 York

Abbas, azmat, ۲۰۰۲, sectarianism: the palyers and the
 game, Lahore, south Asia partnership

Abbas, hassan, sectarianism in Pakistan ۲۰۱۰

Afzal, m, Saudi arabia's hold on Pakistan. retived from
 Akram, Muhammad, extremist narrative of political islam in
 Pakistan in after ۱۹۸۰ spakistan social science
 review. march, vol, ۴, no ۱, ۲۰۲۰

Asia report, ۵ sep, ۲۰۲۲.

Berman, s, islamism revoloution and vivil society in
 perspectives on politicon politics

Graham E. fuller, the future of political
 islam, playgrave, newyork, ۲۰۰۳

Graham, fuller; marcel kurpershok, wrr lecture, hague ۲۰۰۴

Haqqani, Hussain, Pakistan: between mosque and
 military, Washington, dc: Carnegie endowment for international
 peace: brookings institution press. ۲۰۰۵

international crisis group, A new era of sectrain violence in

Pakistan,

Khan Jamshed, The Rise of Political Islam in Khyber

Pakhtunkhwa: The Case of Muttahida Majlis-e-Amal (MMA),

The Dialogue, Volume ۹, ۲۰۱۴

Kunal Mukherjee, Islamic revivalism and politics in

contemporary Pakistan”journal of developig

societies, ۲۶, no ۳, (۲۰۱۰) ۳۲۹-۳۵۳.

lamb, Robert d, religion and militancy in Pakistan and

Afghanistan a literature review, csis, ۲۰۱۲

lucia, ardovini, the failure of political islam? the muslim

brotherhood, s experience in government, lancaster

universty, ۲۰۱۷, (phd thesis.)

Muhammad qasim zaman, islam in pakistan A

history, princeton universty press, ۲۰۱۸ oxford

Munir, muhammad, from jinnah to zia vanguard books

lahore, ۱۹۸۰

Riikonen, katja beyond the sipahs, jaishs and lashkars sectarian

violence in Pakistan as reproduction of exclusivist

sectarian discourse, university of bradford. (۲۰۱۲)

Sabat, ahmed, Muhammad shoaib, abdul qadar, religious

populism In Pakistan: how khadam rizvis tehreek-e-labbaik

Pakistan emerged, international area studies review ۲۰۲۰.

sevea, ۱, s, the rise of barelvi political acticism in Pakistan-

institute of south Asian studies (isas) insights, ۵۲۰. national

university of Singapore. USA ۲۰۱۵

Zaman,qasam,sectarianism in pakistan:the redcilization of shia annd sunni identitiesmoderen asian studies, ۱۹۹۸.

منابع اینترنتی

Abbasi,ansar,the news,

<https://www.thenews.com.pk/print/۱۶۳۵۰۶-Musharraf-admits-to-untaxed-Rs۱-bn-in-foreign-accounts>

Basit,a,new extremist religious groups are wrecking Pakistan the national interest.retrived

<https://nationalinterest.org/feature/new-extremist-religious-groups-are-wrecking-pakistan-۲۳۷۷۹>

<http://mwmpak.org/>

<https://edition.cnn.com/۲۰۱۳/۰۱/۱۴/world/asia/pakistan-qadri-march/index.html>

<https://ibcurdu.com/news/۶۱۵۸۳/>

<https://jamaatwomen.org/page/youm-e-tasses/subpage-۱۳۹>

<https://juipak.org.pk/%D%A%D%A%D%B۱%DB%AC%D%AE/>

<https://web.stanford.edu/group/mappingmilitants/cgi-bin/groups/view/۱۴۷?highlight=April+۱۹>

<https://www.dawn.com/news/۱۳۷۳۲۷۴>

<https://www.humsub.com.pk/۸۵۸۱۵/wajahat-masood-۳۸۷/>

khan,s,mellen,jcleric in islambad:it's the begning of the

revolution

peace insight Pakistan:conflict timeline ۲۰۱۱

Puri,l,the past and future of Deobandi islam-combating

terrorismcenter sentinel, ۲۰۰۹

Stanford univresity mapping militant organizations,sipah-e-sahaba Pakistan. ۲۰۱۲.

Waseem&azeem,m,faizabad sit-in ends as army

brokers,deal, ۲۰۱۷

www.brookings.edu/research/saudi-arabias-hold-on-pakistan